

■ **احمد رضا صدیقی**
اینک سخن از شهیدی است که به‌رغم انجام وظیفه‌ای خطیر در سالیان آغازین استقرار نظام جمهوری اسلامی، کمتر از وی سخن به میان می‌آید. شهید سرهنگ هوشنگ وحیددستجردی در روز هشتم شهریور ۱۳۶۰ در جلسه‌ای با شهیدان محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر حضور داشت که انفجار مهیب دفتر نخست‌وزیری پیش آمد. وی به بیمارستان منتقل شد تا اینکه در چهاردهم شهریور به شهادت رسید. مقالی که هم‌اینک پیش رو دارید، ابعادی از حیات آن شهید ناشناخته را بازگفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مقبّل و مقبول آید. ■ ■ ■

■ طرحی از یک زندگی

همان‌گونه که در فوق‌الشارت رفت، در تبیین حیات فردی و نظامی شهید سرهنگ هوشنگ وحیددستجردی پژوهش موسع و مبسوطی صورت نگرفته است. هم‌این‌روو در آغاز این مقال، نظری کوتاه بر زندگی نظامی و سیاسی آن بزرگ پهنکام به نظر می‌رسد.

شهید هوشنگ وحید دستجردی متولد اصفهان به سال ۱۳۰۴ از آن دست نمونه‌ها و الگوهایی است که در حیطه ظلم و فساد در رژیم شاهنشاهی، خود را پاک نگاه داشته و به اصلاح جامعه نیز پرداخته است. او پس از گذراندن دروس ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۲۸ وارد آموزشگاه شهربانی شد و پس از گذراندن دوره‌های مختلف، موفق به طی کردن دوره‌های عالی نیز شد. وی بدین جهت مسئولیت‌های مختلف در رده‌های گوناگون شهربانی را بر عهده داشت. او در عین حال مقلد امام خمینی بسود و پایبندی خویش را به وظایف دینی، بارها و بارها به نمایش گذاشته بود. ایشان از هواداران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود و در راه کوتاه کردن دست استکباری انگلیس از منافع ایران عزیز، تلاش داشت. با شدت یافتن انقلاب اسلامی، از آنجا که رژیم منحوس پهلوی از طرف استکبار جهانی به سرکردگی امریکا و صهیونیسم بین‌الملل، بر آن بود که با کشتار مردم در شهرهای گوناگون ایران از پیشروی انقلاب بکاهد و این نوع بر خوردها و خون‌ریزی‌ها هیچ‌گاه موردپسند اشخاص دینمداری چون شهید دستجردی نبود، در سال ۱۳۵۷ از مسئولیت خویش استعفا داد و دستگاه ظالم را رها کرد تا شراکتی هر چند کوچک بر این رفتارها نداشته باشد. این شهید بزرگوار بارها در راهپیمایی‌های پرشور و انقلابی شرکت کرده بود و پس از استعفا نیز به فعالیت‌های انقلابی خویش ادامه داد. این رویکرد انقلابی موجب شد با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ و به دلیل سابقه در خشان انقلابی‌اش به خدمت فراخوانده شود و چندین مسئولیت را بر عهده گیرد تا آنکه در اسفند ۱۳۵۹ به سمت ریاست شهربانی کل کشور رسید. مؤلف پیشنهاد شهادت در انقلاب بسوم در این باره می‌نویسد: «سرانجام، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ایران، سرنگون شد و ۵۰هزار مستشار نظامی امریکایی که بر تار و بود کشور چنگ انداخته بودند، اخراج شدند. نظامی که مهم‌ترین شعارش، رد هر گداسمعار و بیگانه‌دوستی و اجرای سیاست نه شرقی و نه غربی بود، طبعاً می‌بایست بر عناصر خدم داخلی تکیه می کرد و هم از این رو، شهید وحید دستجردی که بازنشسته بود، بار دیگر به خدمت فراخوانده شد و مسئولیت‌های چندی چون رئیس شهربانی اصفهان، سرپرست اداره بازرسی و معاون انتظامی را بر عهده گرفت. شهید دستجردی در ۲۲ اسفند ۱۳۵۹، به سمت ریاست شهربانی کل کشور رسید.»

آخرین برنامه کاری این شهید بزرگوار شرکت در جلسه ۸ شهریور دفتر تخت‌ست‌وزیری بود و در جمع شهیدان رجایی و باهنر قرار می‌گیرد. سازمان مجاهدین از آنجا که قصد ساقط کردن جمهوری اسلامی را داشت، از ابزار حذب نیروهای کارآمد کادری باهنر نشسته بود... آقای دستجردی در این جنایات قبلی، ترسور دیگری را برنامهریزی و اجرا کرده و دفتر نخست‌وزیری را منجر می‌کند. بر اثر این انفجار شهید هوشنگ وحیددستجردی دچار سوختگی شدید می‌شود و پس از چند روز در ۱۴ شهریور به علت شدت جراحات و سوختگی‌ها، جام شهادت را عاشقانه می‌نوشد و به دیدار معبود می‌شتابد. محمدمهدی کتبیبه که شاهد عینی ماجرا بوده، می‌گوید: تیمسار وحیددستجردی در این حادثه کارآمد آقای باهنر نشسته بود... آقای دستجردی در این حادثه سوختگی زیادی داشت به روی بالکن رفته و از آنجایی اختیار خویش را به پایین می‌اندازد... در همان روز شهادت دستجردی، منافقین با انفجار دیگری نیز آیت‌الله شیخ علی قدوسی، دادستان کل انقلاب، را شهید می‌کنند. عامل انفجار مهیب و خونین نخست‌وزیری، فردی به نام مسعود کشمیری معرفی شده است. عضو از گروهک مجاهدین خلق که توانسته بود با رفتارهای منافقانه خود و کمک افرادی چون محسن سازگارآبادی منقلب دینبر روی شورای امنیت را به‌دست آورد، به‌وسیله یک کیف دستی بمب را در نزدیکی شهید رجایی و باهنر قرار می‌دهد و چنین حادثه‌ای را رقم می‌زند.

حضرت امام خمینی به مناسبت شهادت شهید دستجردی و شهید آیت‌الله شیخ علی قدوسی، پیامی فرستادند که بخش‌هایی از آن بدین شرح است: اینجانب، شهادت دادستان کل انقلاب (شهید قدوسی) و سرهنگ وحید دستجردی که در رأس شهربانی و قوای انتظامی در حال انجام وظیفه بودند و به این تحفه الهی ناثل شدند، را به ملت ایران، به حوزه علمیه قم و قوای مسلح تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و از خدای متعال، رحمت برای آنان و صبر و شکیبایی برای خانواده محترمشان خواستارم.

■ از منظر همسر

بانو پریمه دستجردی همسر و دختر عموی شهید سرهنگ هوشنگ وحیددستجردی است. روایت وی از منش فردی و اجتماعی آن بزرگ، از آن رو که یک بازه زمانی نسبتاً دراز را دربر می‌گیرد و از منطری نزدیک نیز بیان می‌شود، در میان اسناد زندگی آن شهید والا مقام مکانی خاص دارد. او در توصیف تبار و سیره همسر خویش چنین می‌گوید: «شهید وحید دستجردی در سال ۱۳۰۴ در محله عباس‌آباد (عین‌الدوله تهران) چشم به جهان گشود. مادرش سیده‌هراسادات از سادات صحیح‌النسب اصفهان ومنسوبان مرحوم آیت‌الله در چهای و پدرش مرحوم وحید روحانی بود و در حوادث مشروطیت در اصفهان نقش عمده‌ای داشت،



یادها و یادمان‌هایی از حیات و شهادت سرهنگ هوشنگ وحیددستجردی

همراه شهیدان هشتم شهریور بود

و به آنان پیوست

از آن جمله اداره چهار روزنامه به عهده ایشان بود. وی که طبع شعر نیز داشت اشعارش در همان زمان ورد زبان مردم کوچه و بازار بود. در آوج مبارزه مردم با دولت‌های روس و انگلیس چکامه «تازجک» را سرود که اگر حافظه‌ام یاری کند دو بیت آن چنین است:

نه زهر بیشه و جنگل مظفر خیزد

یا زهر آتش سوزنده سمندر خیزد

از پروس است که زئوال هر زور خیزد

مردان لندن و پاریس کجا خیزد!

که پس از سرودن این شعر که جنبایی به پا کرد، عمال روس و انگلیس در صدد دستگیری وی برآمدند و او نیز به ناچار به چهارمحال و بختیاری گریخت که در غیاب او اموالش را به غارت بردند. او پس از چهار سال که اصفهان از وجود قوای روس و انگلیس تخلیه شد، از چهار محال و بختیاری به شهر خود بازگشت و پس از آن به تهران آمد و نشریه ارمان را منتشر کرد. همسرم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و سپس در دانشکده فنی دانشگاه تهران قبول شد، لیکن قبل از این که فارغ‌التحصیل شود، در دانشکده پلیس ثبت‌نام کرد و پیش آمد و مرحوم فقراعی قصد اعدام انقلابی او را کرد، در آنجا پذیرفته شد. در سال ۱۳۲۷ که واقعه دانشگاه بود، او به محلات فرستادند که در واقع حکم تبعید را داشت. شهید وحید دستگردی بیش از ۳۰ سال به‌طور مداوم در شهربانی خدمت کرد که بیشترین مدت آن را در تهران بود. از جمله اداراتی که مرحوم وحید در آن خدمت کرد می‌توان به راهنمایی و رانندگی و ریاست چند کلاتری در تهران اشاره کرد و چند سالی را نیز در اصفهان و محلات خدمت کرد که البته در این دوران دائم تحت نظر بود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ناملایمات، خودش را بازنشسته کرد و در این مدت ارتباط خود را با گروه‌های مسلمان برقرار ساخت و در ضمن به مطالعه هم می‌پرداخت و به سفر حج هم رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به خدمت در شهربانی فراخوانده شد که اولین سمتش در این دوره ریاست شهربانی اصفهان بود که بعد از یک سال به معاونت شهربانی و سپس به سمت قائم‌مقام و ریاست شهربانی منصوب و مشغول کار شد. شهید دستگردی تنها شش ماه رئیس شهربانی بود که در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری به شهادت رسید. او

عاریخ

کفتد و گو ۸۸۴۹۸۴۳۷

شهید سرهنگ هوشنگ وحید دستجردی در کنار آیت‌الله مهدوی کی در حال سان‌دیدن از رنگن‌های شهربانی

د

همسر شهید و حید دستجردی:
«سرهنگ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ناملایمات، خودش را بازنشسته کرد و در این مدت ارتباط خود را با گروه‌های مسلمان برقرار ساخت و در ضمن به مطالعه هم می‌پرداخت و به سفر حج هم رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به خدمت در شهربانی فراخوانده شد که اولین سمتش در این دوره ریاست شهربانی اصفهان بود که بعد از یک سال به معاونت شهربانی و سپس به سمت قائم‌مقام و ریاست شهربانی منصوب و مشغول کار شد»

در نهایت با من تماس گرفتند و گفتند به بیمارستان سوانح بروید! با این صحبت، من متوجه وخامت حال ایشان شدم. در تمام طول خیابان گریه‌کنان می‌دویدم تا خودم را به تاکسی رساندم. راننده هم که من را آن حال دید، مسافران را پیاده کرد و من را به بیمارستان رساند. وقتی رسیدم، دیدم که شهید را کاملاً باندپیچی کرده‌اند! ایشان ۴۶ درصد سوختگی داشت! بیشترین سوختگی مربوط به ناحیه سمت راست بدن ایشان بود و چون خود را از طبقه سوم پر تاب کرده بود، از پنج ناحیه هم سکنستگی داشت. آن شب بر من بسیار سخت گذشت. همسر در کما بود و از درد، فریادهای مهبیی می‌زد. هرگز نتوانستم آن شب را فراموش کنم. هشت صبح شهید دستجردی به هوش آمد اما مشخص بود هنوز کامل هوشیار نیست. از من پرسید شما کی به بیمارستان آمدید؟ گفتم همان موقع که شما را به این‌جا منتقل کردند، بعد از ظهر روز انفجار. کمی هوشیارتر که شد فهمید صبح است، دستش را روی پتو کشید، تیمم کرد و نماز صبح را خواند. کسی که حالش بهتر شد سراغ شهید باهنر و شهید رجایی و دیگر افراد را گرفت و وقتی متوجه شهادت آن بزرگواران شد، بسیار به هم ریخت و تا چند ساعت با هیچ کس صحبت نکرد! بعد از چند ساعتی که کمی حالش بهتر شد، به شرح حال ارائه گزارش هفتگی شهربانی بودم. ناگهان انفجار صورت گرفت و من متزلزل شدم. راننده‌ام را باز کردم، در حالی که چشم‌هایم را کاملاً خون پوشانده بود، متوجه شدم که با صندلی پر تاب شده‌ام و پلاستیک‌های سقف در حالی که آتش گرفته بودند، از سقف پایین می‌ریخت! خودم را به پنجره بالکن رساندم. تعدادی از افراد که پایین ایستاده بودند، با دیدن خوشحال شدند و گفتند بپرید پایین، ما شما را می‌گیریم! در حالی که آماده پریدن می‌شدم، پادم افتاد که من کنار شهید باهنر نشسته بودم. هراسان بر گشتم به سمت اتاق تا بتوانم باهنر و رجایی را نجات بدم چراکه هر دو بزرگوار مظلوم بودند، اما هر قدر گشتم اثری از هیچ‌یک ندیدم و مجدد برگشتم و از پنجره بیرون پریدم و در راه‌پله افتادم... در اثر همین اتفاق لگن، مچ دست و دنده‌های ایشان شکسته بود. شهید چهار روز در بیمارستان سوانح بستری بود. روز پنج‌شنبه بعد از ظهر ایشان را به بیمارستان قلب منتقل کردند. با تمام تلاش‌های تیم پزشکی، ساعت چهار صبح روز ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ در سن ۵۴ سالگی به شهادت رسید.»



د

همسر شهید و حید دستجردی:
سرهنگ در بیمارستان گفت: «من در حال ارائه گزارش هفتگی شهربانی بودم. ناگهان انفجار صورت گرفت. وقتی چشم‌هایم را باز کردم، در حالی که چشم‌هایم را کاملاً خون پوشانده بود، متوجه شدم که با صندلی پر تاب شده‌ام و پلاستیک‌های سقف در حالی که آتش گرفته بودند، از سقف پایین می‌ریخت!»

پیش‌خواب

حاشیه‌ای بر انتشار اثر تاریخی – تحلیلی «محرم و انقلاب اسلامی»

عاشورای قیام در ایران

■ نیما احمدپور



اثر تاریخی – تحلیلی «محرم و انقلاب اسلامی ایران» در زمره پژوهش‌های است که در بازخوانی نیست قیام حسینی(ع) و عزاداری ماه محرم با رویداد عظیم انقلاب اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی که به انتشار این تحقیق تاریخی دست زده، در مقدمه خویش بر این‌اثر در تبیین اهمیت موضوع آورده است: «نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ هم‌زمان با ماه محرم وارد مرحله جدیدی شد و حضرت امام با بهره‌گیری از فضای معنوی محرم، مردم مسلمان را برای رویارویی با اقدامات ضد مذهبی رژیم پهلوی به صحنه مبارزات کشاند. ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اوج رویارویی روحانیت شیعه با رژیم استبدادی شاهنشاهی ایران بود تا جایی که امام خمینی آن روز را مبدأ انقلاب اسلامی اعلام کردند. پس از تبعید حضرت امام به خارج از کشور و با فضای پلیسی – امنیتی به وجود آمده توسط رژیم پهلوی، ساواک قبل از فرارسیدن ایام ماه محرم با انتشار اسامی کسانی که نمی‌توانستند به منبر بروند، از فعالیت روحانیون مبارز جلوگیری می‌کرد، با این حال شاگردان امام همواره خود را موظف به روشنگری جامعه می‌دانستند. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ کاملاً الهامی حسینی داشت و نام و یاد عاشورا و نهضت کربلا فرآوری مبارزات حق طلبانه بود. شعار پیروزی خون بر شمشیر باله‌ام از نهضت حسینی سال ۱۳۵۷ را اسال سرنوشت قرار داد. در سال ۱۳۵۷ رژیم پهلوی در سراسرایی سقوط قرار گرفت



■ تاسوعای ۱۳۵۷. آیت‌الله سید محمود طالقانی در حال اقامه نماز جماعت ظهر و عصر پس از راهپیمایی در میدان آزادی تهران

اقدام عوام‌فریبانه رضاشاه در برپایی مراسم ماه محرم برای رسیدن به قدرت و نیز به ممنوعیت‌های برگزاری این مراسم در دوران پادشاهی و پرداخته شده است. افزون بر این، در محبتی به تشکیل هیئت‌های دینی پس از شهریور ۱۳۲۰ و نقش آنها در تحولات دهه ۱۳۲۰ و ۳۰ اشاره شده و همچنین نقش مجالس عزاداری ماه محرم در رویدادهای سیاسی از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۲ بررسی شده است. بخش سوم در سه فصل نگارش یافته است. در این فصل‌ها به تأثیر ماه محرم در گسترش مبارزات امام خمینی و نیز به فعالیت‌های امام و بارانش برای بهره‌گیری هرچه بهتر از محرم ۱۳۴۲ برای افشای جنایت رژیم و تعمیق گسترش مبارزات اشاره شده است. همچنین در محبتی به حوادث و رویدادهای ماه محرم ۱۵ خرداد در تهران، قم و دیگر شهرستان‌ها پرداخته شده است. در این محبت به فعالیت‌های مأموران رژیم برای کنترل عزاداری این ماه، و در مقابل فعالیت‌های علما و طلاب برای بهره‌گیری از ماه محرم برای مبارزه با رژیم پرداخته شده است. افزون بر این، به مبارزه و فعالیت ملت ایران در قالب هیئت‌های مذهبی در طی این سال‌ها اشاره شده است. در بخش ششم نیز در قالب چهار فصل، تلاش شده به نقشی بی‌بدیل تظاهرات ماه محرم ۱۳۵۷ به خصوص تظاهرات رفراندوم‌گونه و تأثیر آن در سلب مشروعیت رژیم و نیز بازتاب‌ها و پیامدهای داخلی و بین‌المللی پرداخته شود. افزون بر این، در محبتی به تظاهرات بزرگ اربعین حسینی پرداخته شده است.

■ عید سه‌عالی شهید مطلوبی دیگر شهید سرهنگ وحید دستجردی در کنار آیت‌الله علی قدوسی قبل از تسبیح